



پرورش تفکر انتقادی در دانش آموزان با تاکید بر رویکرد پراگماتیستی تعلیم و تربیت

فرشاد محمدی^{۱*}، زهرا حیدری^۲، آرزو سعادتی^۳

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی بوشهر، بوشهر، ایران

۲- کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، مرکز کرمان، کرمان، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی پیوسته روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

چکیده

پرورش تفکر انتقادی در دانش آموزان به عنوان یک مهارت زندگی و نه فقط تحصیلی، در فرایند تعلیم و تربیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. نوشته حاضر، یک مطالعه مروری بر ادبیات مطالعات و پژوهش ها از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ در این زمینه است. تفکر انتقادی به عنوان مهمترین وسیله ارزش سنجی در آموزش و پرورش، به طور ویژه از سوی مکتب فلسفی پراگماتیسم حمایت می شود و اهمیت و جایگاه خاصی در تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت داشته است به طوری که سابقه آن به دو قرن پیش و زمان جان دیویی بر می گردد. پژوهشگران متعددی در صدد ارائه تعریفی برای تفکر انتقادی بر آمده اند. تعاریف در این زمینه، مختلف است و هیچ تعریف واحدی برای هر رشته و در هر سطح قابل استفاده نیست و تجارب و اهداف معلمان و همچنین نیازهای دانش آموزان، تعیین کننده مهارت های خاصی است که باید توسعه یابد. برای آموزش تفکر انتقادی، راهکارهای عملی زیادی توسط محققان و مریبان مختلف ارائه شده است که تعدادی از آنها در این مقاله قابل رویت می باشد.

واژگان کلیدی: پراگماتیسم، ارزش شناسی، تفکر انتقادی، تعلیم و تربیت، آموزش تفکر